

الف) قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی

نقش دین در احیاء، تثبیت و رشد اخلاق از منظر قرآن

حجة الاسلام و المسلمین سید محمد رضا علاءالدین

چکیده:

در این مقاله رابطه‌ی میان دین و اخلاق از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. در فرهنگ قرآن خاستگاه اخلاق فطرت الهی انسان است از دیدگاه قرآن دین همه‌ی انبیاء اسلام است و نقش دین و دینداری در احیاء، تثبیت و رشد رفتارهای اخلاقی با شکوفا سازی فطرت آغاز می‌گردد. در قرآن کریم عمومیت فطرت و وحدت نوعی انسانها مطرح شده است. فطرت خدا خواهی که مقوم درونی همه‌ی انسان هاست در تمام آنان یکسان است. همانطور که عامل بیرونی یعنی دین که سرپرست این فطرت و قیم بیرونی اوست در همگان یکسان است و انسان با شهود فطری خدا را می‌یابد و به کمال مطلق و دین‌گرایش می‌یابد و فجور و تقوا را از هم باز شناخته و به تقوا متمایل می‌گردد و از فجور گریزان است. اگر چه انسان به لحاظ فطرت الهی خود توانای انتخاب عمل اخلاقی و انجام آن را دارد. اما چون انسان کامل بالفعل آفریده نشده و باید به کمال بالفعل برسد برای رسیدن به این کمال بالفعل نیازمند دینی است که از هر اوج‌جایی بدور باشد و اسلام بعنوان تنها دین مقبول در نزد خدا شایسته شکوفا سازی فطرت برای نیل انسان به کمال بالفعل است لذا در این مقاله ابتداء دین در قرآن و نقش دین و دینداری در احیاء تثبیت و رشد اخلاقی و فعل اخلاقی با شیوه‌انگیزه سازی، ضمانت‌گری، تعالی بخشی، توفیق‌سازی و فیض‌رسانی و ارتقاء سطح نیت انسان مطرح گردیده و در خلال تبیین تأثیرات دین به نقش و رابطه دین و اخلاق و فعل اخلاقی پرداخته شده است.

کلید واژه: دین، اخلاق، فطرت، نقش دین بر رفتار اخلاقی

دین از منظر قرآن کریم: قرآن کریم با طرح موضوعات دین و دینداری از جمله ایمان و اخلاص در دین، استقامت و اعتصام بر دین، اقامه دین و احیاء احکام دین، اکمال دین و توجه دادن به تعلیم و تعلم و تفقه در دین و تبیین رابطه دین با فطرت، اخلاق و عبودیت انسان و مقابله با اختلاف، ارتداد، تحریف، انحراف و غلو در دین در مجموعه آیاتش به ارائه نقش دین و دینداری در تثبیت و رشد اخلاقی در نهاد خانه و خانواده پرداخته است.

تعریف دین: دین بزرگترین موهبت الهی به بشریت برای همه عصرها و نسلهاست. دین در لغت به معنای جزا، اطاعت و انقیاد (تاج العروس، ج ۱۸، ص ۲۱۵ و ص ۲۱۶) آمده است. اطاعت و پیروی را بدین جهت دین نامیده‌اند که اطاعت برای جزاء و پاداش است (مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۱۵) دین را به چیزی که معبود به واسطه آن اطاعت می‌شود معنا کرده‌اند (معجم الفروق اللغویه، ص ۲۹۹) در شرع، دین عبارت است از چیزی که وضع آن الهی است و صاحبان خرد را به اختیار خود به سوی رستگاری و کمال در این دنیا و حسن



عاقبت در آخرت هدایت می‌کند و شامل عقاید، مناسک و رفتار می‌شود (کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۸۱۴)

دین در آیات قرآن کریم:

﴿ان الدین عند الله الاسلام﴾ (آل عمران، ۱۹)

﴿و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخره من المخاصرین﴾ (آل عمران، ۸۵)

﴿ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین﴾ (آل عمران، ۶۷)

﴿و اعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله فاولئک مع المومنین﴾ (نساء، ۱۴۶)

﴿و من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن﴾ (نساء، ۱۲۵)

﴿قل انی امرت ان اعبد الله مخلصاً له الدین﴾ (زمر، ۱۱)

﴿فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدین القیم﴾ (روم، ۳۰)

﴿فاقم وجهک للدين القیم﴾ (روم، ۴۳)

﴿ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا﴾ (فصلت، ۳۰)

﴿و جاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتیکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج﴾ (حج، ۲۴-۷۸)

﴿شرع لکم من الدین ما وصی به نوحاً و الذي اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقموا

الدين و لا تتفرقوا فیہ﴾ (شوری، ۱۳)

﴿و ما کان المومنون لینفروا کافه فلولاً نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقھوا فی الدین﴾ (توبه، ۱۲۲)

﴿قل یا ایها الناس ان کنتم فی شک من دینی فلا اعبد الذین تعبدون من دون الله﴾ (یونس، ۱۰۴)

﴿ان الله اصطفی لکم الدین﴾ (بقره، ۱۳۲)

﴿الیوم ینیس الدین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم اکملت لکم دینکم﴾ (مائده، ۳)

﴿هو الذي ارسل رسوله بالهدی و دین الحق﴾ (توبه، ۳۳)

﴿و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله اذا کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم﴾ (آل عمران، ۱۰۳)

از این آیات می‌توان نتیجه گرفت که: دین همه‌ی انبیاء مانند دین خاتم انبیاء اسلام بوده است و اگر تفاوتی در ادیان گذشته وجود دارد در فروع و جزئیات، به نام شریعت و مناهج است. چنان که قرآن می‌فرماید (لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً) (مائده، ۴۸) و گرنه نه خطوط کلی دین که اسلام باشد، ثابت است (ان الدین عند الله الاسلام) (آل عمران، ۱۹)

اگر کسی دینی غیر از دین اسلام را انتخاب کند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و تنها دینی که خدا می‌پسندد اسلام است چون اسلام (عن الله) است، هر چه عند الله باشد، از دگرگونی و زوال مصون است.

چون دین همه‌ی انبیاء اسلام است، هر پیامبری که به رسالت مبعوث شده آورد پیامبر پیشین را تصدیق کرد، وقتی نوبت به قرآن کریم رسید، هم ره آورد انبیاء پیشین را تصدیق کرد و هم هیمنه و سیطره خود را بر همه آنها اعلام داشت. (مصدقاً لما بین یدیه من الکتاب و مهیماً علیہ) (مائده، ۴۸)

البته این تصدیق و هیمنه مقتضای خاتمیت خاتم انبیاء (ص) است. بنابراین نه تنها اصل اعتقاد به خدای یکتا فطری انسان هاست بلکه مجموعه معارف دین، به نام عقاید و اخلاق و احکام هم، فطری انسان ها خواهد بود. دین شکوفا کننده فطرت است، زیرا فطرت هر راهی را نمی‌طلبد و به هر سمتی حرکت نمی‌کند بلکه در راه خاص و به سمت کمال لایزال در حرکت است زیرا بین متحرک و بین هدف او راهی مشخص است که

انسان متحرک با پیمودن آن راه مشخص به آن هدف معین می رسد. این جور نیست که هدف وسیله را توجیه کند و با هر وسیله بتوان به هدف خاص رسید آن راه مشخص که انسان را به هدف والا می رساند همان دین الهی است که فطرت، تشنه آن است و آن را می طلبد،

■ نوع تاثیر دین و دینداری بر تثبیت و رشد اخلاقی در نهاد خانواده: نقش گذاری و تاثیر بخشی دین و تقید به دین در شکل و شیوه انگیزه سازی، ضمانت گری، تعالی بخشی، فیض رسانی و ارتقاء نیت انسان در انجام افعال اخلاقی می باشد

۱. دین و انگیزه سازی برای انجام، تکرار، تثبیت و رشد رفتار اخلاقی: (انگیزه) در لغت به معنای محرک و باعث به کار می رود (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه انگیزه) انگیزه در حوزه اخلاق به معنای چیزی است که انسان را برای انجام رفتار اخلاقی به حرکت در می آورد. (سید اکبر حسینی، واقع گرایی اخلاقی، ص ۴۰، قم، ۸۳) دین در ایجاد انگیزه برای رفتار های اخلاقی و تثبیت آنها بسیار موثر است. رفتار هائی همچون فداکاری، کظم غیظ، کمک به دیگران، توجه به نیاز های مشروع، امانت داری، پاک دامنی، عدالت ورزی در گفتار و کردار در محیط خانه و خانواده و اجتماع کارهائی هستند که انسانیت و شرافت انسانی در گرو آنهاست.

قرآن کریم در باب انگیزه سازی برای تکرار و تثبیت و رشد افعال و رفتار اخلاقی به این آیات توجه دارد. انگیزه سازی قرآن بعضاً جنبه مادی و دنیائی و بعضاً جنبه معنوی و آخرتی دارد که سرآمد این انگیزه ها قرب الی الله، وصول به جنت و رضوان الهی و ارتباط با اولیاء و ابرار می باشد.

﴿و من اعرض عن ذکرى و نَحْشِرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اَعْمٰی﴾ (طه، ۱۲۴)

﴿و من یعش عن ذکر الرَّحْمٰن نُقِیْضْ لَهُ شَیْطٰنًا فَهُوَ لَهُ قَرِیْنٌ﴾ (زخرف، ۳۶)

﴿وَالذَّكْرِیْنَ اللّٰهُ کَثِیْرًا وَّ الذَّاكِرٰتِ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَّ اَجْرًا عَظِیْمًا﴾ (احزاب، ۳۵)

﴿فَاذْكُرُوْنِیْ اِذْ کَرَّمْتُمْ﴾ (بقره، ۱۵۲)

﴿و لا تفسد فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفاً و طمعاً ان رحمت الله قریب من المحسنین﴾ (اعراف، ۵۶)

﴿ان الذین یُحِبُّوْنَ ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره﴾ (نور، ۱۹)

﴿یدخل من یشاء فی رحمته و الظالمین اعد لهم عذابا الیماً﴾ (انسان، ۳۱)

﴿و بشر الذین آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار﴾ (بقره، ۲۵)

﴿لیجزی الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک لهم مغفره و رزق کریم﴾ (سبا، ۴)

﴿و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياءٌ عند ربهم یرزقون﴾ (آل عمران، ۱۶۹)

﴿و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فاولئک هم الفائزون﴾ (نور، ۵۲)

﴿و عد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار خالذین فیها و مساکن طیبه﴾ (توبه، ۷۲)

﴿فَالذِّیْنَ و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون﴾ (اعراف، ۱۵۷)

﴿و قل للمؤمنات یغضض من ابصارهم ... لعلکم تفلحون﴾ (نور، ۳۱)

بکارگیری این شیوه قرآنی در نهاد خانه توسط والدین موجب می گردد زمینه های تکرار، تثبیت و رشد افعال اخلاقی را فراهم آید.



۲ دین، اساساً یک ابزار است. تثبیت و رشد اخلاقی. اخلاق مجموعه ای از باید ها و نباید های مربوط به رفتار انسان است و دست یابی به اهداف این مجموعه در پرتو حمل به این باید ها و نباید ها خواهد بود. قوانین اخلاقی از این نظر که به رفتار انسان مربوط می شوند همانند قوانین حقوقی هستند و در حقوق، قوانین برای رعایت نظم اجتماعی وضع می شوند منتها این قوانین هر قدر هم خوب باشند، یعنی بتوانند هدف واضح حقوق را بهتر تأمین کنند، در صورتی که به آنها عمل نشوند، این هدف تحقق نخواهد یافت برای همین قانون گذار در حقوق، مشوق ها و مجازات هائی را برای کسانی که عامل به قوانین یا متخلف از قوانین هستند وضع کرده است این مجازات ها اجرای قوانین حقوقی را تضمین می کنند اما در اخلاق، ما چنین، مجازات هائی را هم نداریم یعنی حکومت هائی غیر دینی کسانی را که اصول اخلاقی را رعایت نکنند مجازات نمی کنند مگر آنکه یک اصل اخلاقی جنبه حقوقی نیز پیدا کرده باشد در نظام های غیر دینی هیچ تضمینی برای رعایت و اجرای اخلاق وجود ندارد.

از ویژگی های اخلاق دینی این است که برای اخلاق ضمانت اجراء قرار داده است و این به خاطر اهمیتی است که اخلاق در دین دارد. ضمانت اجرای مهم و اساسی در دین، قرب و بُعد الهی است. در کنار این، ضمانت های دیگری نیز هست، آن هم وعده پاداش و بیم از عقاب دنیوی و اخروی است. بنابراین (دین هر چند اخلاق را به وجود نیآورده و اخلاق فرع بر دین نیست، اما اجرای بهتر اینها را تأمین کرده است) (مرتضی مطهری بیست گفتار، ج پنجم، قم، ص ۱۳۵۸، ص ۱۹۷)

* نکته: در این جا این است که آنچه برای انجام و استمرار و تثبیت و رشد فعل اخلاقی می تواند انگیزه به حساب آید همان می تواند به عنوان تضمینی برای انجام فعل به کار رود. در آیات متعدد قرآن این تضمین گری برای انجام و استمرار و تثبیت و رشد فعل اخلاقی به تعدد به چشم می خورد

﴿قد افلح المومنون و الذین هم لفروجهم حافظون﴾ (مومنون، آیات ۵ تا ۶)
 ﴿قد افلح المومنون و الذین هم عن اللغو معرضون﴾ (مومنون، آیات ۳ تا ۴)
 ﴿یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سدیداً * یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم﴾ (احزاب، ۷۰ و ۷۱)

﴿ان المبدرین كانوا اخوان الشیاطین و كان الشیطان لُرَّبه کفوراً﴾ (اسراء، ۲۷)
 ﴿الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عند الله و اولئک هم الفائزون﴾ (توبه، ۲۰)

﴿یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوالکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفوراً رحیم﴾ (تغابن، ۱۴)

﴿و من یتق الله و یرزقه من حیث لا یحسب﴾ (طلاق، ۲ و ۳)

۳ دین عاضد تثبیت و رشد و تعالی اخلاقی. یکی دیگر از تأثیرات دین بر اخلاق را می توان توسعه اخلاق و به تعبیر بهتر رشد و تعالی بخشیدن به اخلاق ذکر نمود. علامه شهید آیه الله مطهری با تقسیم اخلاقی انسان به افعال طبیعی (انجام نیاز های طبیعی) و افعال اخلاقی (صرف نظر کردن از منابع شخصی و از خود گذشتگی و کمک به نیازمندان) کار دین را بسط و توسعه حوزه ی خودی



دانسته است. بدین معنا که انسان به جای گذشتن از منافع خود به خاطر دیگران در پرتو تعالیم دین شخص دیگران را نیز جزء خودش فرض می کند و صدمه دیدن آنها و درد و رنج آنها را درد و رنج خودش تلقی می کند و به معنای دیگر خودش را توسعه می دهد. گاهی انسان فقط خودش را به حساب می آورد و دیگران را غیر خودی یا علاوه بر خود، خانواده اش، فامیلش، افراد طایفه یا همشهری خود را خودی و دیگران را غیر خودی قلمداد می کند اما دین با توسعه خود انسان او را به جایگاهی رشد می دهد که منافع دیگران را منافع خود و درد و رنج آنها را موجب درد و رنج خود می داند. هر قدر انسان در پرتو دستورات و برنامه های انسان ساز قرآن کریم قرار گیرد و دایره ی خودی را گسترش دهد اخلاق او اخلاق برتری خواهد بود. نتیجه دیگر این امر آن است که کارهای اخلاقی بیشتر و مفید تری نیز می تواند انجام دهد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا رُحِمَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ مِّنْ أُمَّةٍ ۗ

﴿ هَرَّ النَّفْسِ حَمَلَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَنَّهُمْ رُوحًا ۗ وَجَعَلَهُمْ حُرُوفًا ۗ ۱۸۹﴾

وقتی همه ی ما خود را مخلوق و بنده خدا دانستیم برای جلب رضایت الهی و رسیدن به قرب الهی، حُبّ و بغض های شخصی و کینه ورزی را کنار گذاشته و تنها به فکر ادای وظیفه و تکلیف الهی خواهیم بود که مبادا ستمی بر بنده ای از بندگان خدا روا داریم، اگر چه آنها به ما ظلم کرده باشند البته توسعه حوزه ی خودی با ملاک ایمان به خدا می باشد (محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم) (فتح، ۲۹) تعالی اخلاق همین جا شکل می گیرد اینکه کسی بتواند حُبّ و بغض های شخصی و کینه توزانه را کنار بگذارد و حتی در برابر کسانی که بیشترین ستم ها را به او کرده اند، از حد اعتدال خارج نشود و عدالت را بر آنها روا دارد و این نشان دهنده ی بلندی روح است؛ روح بلندی که هر انسانی را خاضع و وادار به تحسین خواهد کرد.

برای نمونه می توان از امام امیر المومنین علی (ع) نام برد که حتی نسبت به قاتل خود هم نگران بود که مبادا به او آسیبی برسد که خارج از حدود الهی باشد. مسئولیتی که حتی دشمنان او هم مجبور شدند به فضائل او اعتراف کنند. امام علی (ع) طی نامه ی که به مالک اشتر (فرماندار مصر) می نویسد ضمن نفی تفکر (راسیزم) نژادپرستی و آپارتاید (نژاد پرستی) و الیتسیم (خود برتر بینی و نتیجه گرایی) روش بر خورد با مردم و توسعه حوزه ی خودی را اینچنین تبیین کرده اند: (مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مردم دو دسته اند: دسته ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می باشند. اگر گناهی از آنان سر زد یا علت هائی بر آنان عارض می شود که خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می گردند آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر) (نهج البلاغه،



در این آیات قرآن تأمل و تدبر نمائید :

﴿ و ما أسألكم عليه من اجر ، ان أجرى الآلى ربّ العالمين ﴾ (شعراء ، آیات ۱۴۵ ، ۱۲۷ ، ۱۰۹ ، ۱۶۴ و ۱۸۰)

﴿ ان أجرى الا على الله و هو على كل شىء شهيد ﴾ (سبأ ، ۴۷)

﴿ انما يوفى الصابرين اجرهم بغير حساب ﴾ (زمر ، ۱۰)

﴿ فمن عفا و اصلح فأجره على الله ﴾ (شوری ، ۴۰)

﴿ انما نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاء و لا شکورا ﴾ (انسان ، ۹)

﴿ و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرأ جمیلاً ﴾ (مزمل ، ۱۰)

﴿ خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین ﴾ (اعراف ، ۹۹)

﴿ لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین روف الرحیم ﴾ (توبه ، ۱۲۸)

۴ دین و توفیق سازی : فیض رسانی عمل اخلاقی : یکی از استدلال ها در زمینه موثر بودن دین در انجام رفتار اخلاقی ، به نوعی تلقی از ماهیت انسان بر می گردد . آیا ماهیت انسان با کار های اخلاقی سازگار است ؟ آیا انسان به لحاظ طبیعت خاص خود ، توانائی انجام عمل اخلاقی را دارد ؟ آیا برای انجام کارهای اخلاقی ، نیاز به دخالت عاملی خارج از انسان وجود دارد ؟

از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است که استعداد خوب بودن و بد بودن را دارد و مُلهم به فجور و تقواست . انسان با شهود فطری خدا را می باید و به کمال مطلق و دین گرایش می یابد و فجور و تقوا را از هم باز شناخته و به تقوا متمایل می گردد و از فجور گریزان است . انسان به لحاظ فطرت الهی خود توانائی انتخاب عمل اخلاقی و انجام آن را دارد .

در قرآن کریم عمومیت فطرت و وحدت نوعی انسانها مطرح گردیده (فطرت الله التي فطر الناس علیها) فطرت در همه انسان هاست ، نه اینکه مخصوص مؤمنان یا اعم از آنان و اهل کتاب باشد . فطرت خداخواهی که مقوم درونی همه ی انسان هاست در تمام آنان یکسان است . همانطور که عامل بیرونی ، توفیق سازی و فیض رسانی خداوند برای بندگان با خلقت فطرت برای انسان پدیدار گشته است هویت انسانی که با فطرت دینی و الهی آفریده شده و او این فطرت را شکوفا ساخته و هویت الهی هویدا می گردد . دین وقتی می تواند توفیق ساز و فیض رسان انسان در عمل اخلاقی باشد که در آن هیچگونه نارسائی و نابسامانی و اعوجاج راه نداشته باشد . ولی اگر آن دین دستخوش تحریف و انحراف و نابسامانی و اعوجاج گردیده باشد هرگز قیم فطرت نخواهد بود . خداوند در وصف قرآن کریم فرموده است (غیر ذی عوج) (زمر ، ۲۸) و چون در قرآن اعوجاج و نابسامانی وجود ندارد می تواند قیم دیگران باشد و موجبات شکوفائی اعمال اخلاقی انسان گردیده و بدین واسطه زمینه های رشد و کمال را در انسان رقم زند . انسان منهای دین قوام و قیامی ندارد . اصلی که انسان را مستقیم نگاه می دارد دین اوست و قیم انسان باید از هر اعوجاجی مصون باشد .

باید و نباید های اخلاقی دین همگی فطری هستند و چون فطری هستند با نظام داخلی انسان و ساختار درونی او هماهنگ هستند لذا روح تعلیمات انبیاء درباره عمل اخلاقی ایجاد زمینه توفیق و بستر فیض برای شکوفائی اخلاق فطری است (انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق) انبیاء برای بیداری و شکوفائی فطرت انسان به رسالت مبعوث شده اند و گنجینه مکرمت ها و فضائل اخلاقی را در انسان ها احیاء ، تثبیت و رشد داده و اینچنین انسان ها را به کمال بالفعل خالصانه و صادقانه رسانده اند و هدف خداوند



از ارسال رُسل و انزال کُتب آسمانی همان توفیق سازی و فیض رسانی خداوند به همه ی بندگان برای عمل اخلاقی است .

۵ دین و ارتقاء سطح نیت در انجام فعل اخلاقی : انسان فطرتی دارد که پشتوانه آن روح الهی است و طبیعتی دارد که به گل وابسته است ، همه ی فضائل انسانی به فطرت و همه ی رذایل به طبیعت او باز می گردد . اگر انسان به طبیعت خود توجه کند و از هویت انسانی خود که روح اوست ، غافل گردد ، نه تنها از پیمودن مسیر کمال باز می ماند ، بلکه دچار انحطاط می شود تا آنجا که قرآن کریم می فرماید :

(اولئك كالانعام بل هم اضل) (اعراف، ۱۷۹)

و اگر به بُعد فطری خود توجه کند و دعوت انبیاء الهی را برای شکوفاسازی خود در حیات طیبه را بپذیرد تا جایی تکامل پیدا می کند که به اُفق اعلی ثم دنی فتدلی خواهد رسید .

در قرآن کریم دو جنبه حیات یعنی حیات طبیعی و حیات فطری انسان ترسیم شده است و از انسان به عنوان مستوی الخلقه تعبیر شده که استوای خلقت انسان به روح اوست و استوای روح انسان به فطرت او می باشد که خداوند او را به فجور و تقوا الهام کرده است . در فرهنگ قرآن نگرهش و مذمت انسان به طبیعت انسان مربوط است و ستایش ها به روح و فطرت او باز می گردد .

۱۰- دین با شکوفاسازی فطرت الهی و هویت بخشی انسان زمینه توفیق و فیض عمل اخلاقی را فراهم می کند

۱۱- دین با ارتقاء سطح نیت و قصد انسان در اعمال اخلاقی ضمن ارزشمند نمودن عمل اخلاقی ، انسان را به بالاتریم مقاصد که قرب الهی است راهنمایی می کند .

* منابع :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- مطهری ، مرتضی ، بیست گفتار ، چاپ پنجم ، قم ، صدرا ، ۱۳۵۸
- ۴- مطهری ، مرتضی ، تعلیم و تربیت در اسلام ، چاپ بیست و شش ، قم ، صدرا ، ۱۳۷۴
- ۵- مطهری ، مرتضی ، فلسفه اخلاق ، تهران ، بنیاد ۱۵ خرداد ، ۱۳۶۲
- ۶- جوادی آملی ، عبد الله ، فطرت در قرآن ، چاپ دوم ، قم ، چاپ اسراء ، ۱۳۷۹
- ۷- هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، فرهنگ قرآن ، چاپ اول ، قم ، بوستان کتاب ، ۱۳۸۶

